

بزرگوار و فعال واقعیت با

مصاحبه با دکتر حسام‌الدین آشنا، استاد گروه ارتباطات و روابط بین‌الملل دانشگاه امام صادق^(ع)



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

دکتر حسام‌الدین آشنا فارغ التحصیل دانشگاه امام صادق^(ع) است. کارشناسی ارشد خود را در رشته «معارف اسلامی و تبلیغ» و دوره دکترایش را در رشته «فرهنگ و ارتباطات» به پایان رسانده است. ایشان در حال حاضر، مدیر گروه فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام صادق^(ع) است. دکتر آشنا سوابقی مثل عضویت در هیات امنای پژوهشکده مطالعات راهبردی، عضویت در شورای طرح و برنامه شبکه پرس تی وی و بالاخره عضویت در شورای تعیین خط مشی خبرگزاری جمهوری اسلامی را هم در کارنامه دارد. اما، انجام این مصاحبه به ماه‌ها قبل برمی‌گردد؛ زمانی که هنوز مدت زیادی از تاسیس شبکه فارسی بی‌بی‌سی نگذشته بود و همین ماجرا بیانهای شد تا با ایشان درباره عمل، آثار و تبعات شبکه‌های فارسی نوظهور گفت‌وگو کنیم.

مهرزاد خاص

راه‌افتادن چند شبکه فارسی‌زبان با هم خیلی مشکوک است. به نظر شما چه انگیزه‌هایی محرک راه‌اندازی یک شبکه می‌شود؟

طبیعی این است که فردی که سخن و تصویری دارد که تا به حال شنیده و دیده نشده و گمان می‌کند کسانی باید حرف‌های او را شنیده، یا تصاویری مورد نظر او را ببینند، تلاش می‌کند صدا و تصویرش را به مخاطبان خود برساند. اگر از زاویه غیرتجاری نگاه کنیم این تعبیری ساده از موضوع است. اما از دید تجاری، جایی که بازاری و بالطبع خریداری وجود دارد - چه خریدار بالقوه و چه بالفعل - کالا، از جمله کالاهای فرهنگی و رادیو تلویزیونی، برای آن خریدار تولید و بازاریابی می‌شود. به عبارت دیگر انگیزه‌های متعددی برای ایجاد ایستگاه‌های بین‌المللی وجود دارد؛ دو انگیزه اقتصادی و غیراقتصادی مسبب این قضیه هستند. در دسته انگیزه‌های غیراقتصادی می‌توان به تاسیس رادیو و تلویزیون دینی بین‌المللی با اهداف مذهبی و ابلاغ

پیام‌های دینی در سراسر دنیا، یا تاسیس شبکه‌های سیاسی برای ترویج یک عقیده و مکتب سیاسی که در نظر دارد اهداف خود را در نقطه‌ای از جهان بازگو کند، یا ایجاد یک ندای واحد و اتحاد بین آحاد قومی که از هم پاشیده و مورد ظلم قرار گرفته‌اند، یا دولتی که برای جمعیت مهاجر خود برنامه حفظ هویت دارد اشاره کرد.

در راه‌اندازی شبکه جدید بی‌بی‌سی فارسی، کدام دسته از این انگیزه‌ها قوی‌تر بوده‌اند؟
بی‌بی‌سی اهداف و استراتژی‌های بلندمدتی دارد و مهم‌ترین آنها باقی ماندن به عنوان برترین سازمان رادیو و تلویزیونی جهان است. داشتن بالاترین استانداردها در پخش رادیو و تلویزیونی و حتی تولید استانداردهایی برای دیگر شبکه‌ها. لذا بی‌بی‌سی همواره علاقه داشته به طرز متمایز از دیگر شبکه‌های تلویزیونی عمل کند و در موارد ممکن پیشتاز باشد. در عمل، این شبکه با تاسیس

بی‌بی‌سی عربی، جهان عرب را مورد خطاب خود قرار داد و رقابتی با بزرگترین شبکه‌های جهان عرب داشت؛ با الجزیره قطر ، العربیه عربستان و العالم ایران که ارتباط نزدیکی با جهان عرب دارد. اما راهاندازی بی‌بی‌سی فارسی در همان مسیر راهاندازی بی‌بی‌سی عربی یعنی تمرکز روی کشور‌های هدف است. مقصود از کشور‌های هدف مناطقی است که تحول فرهنگی در آنها یک موضوع بسیار جدی برای جهان غرب از جمله انگلستان تلقی می‌شود و تصور می‌شود یک فقدان نگرش متقابل خبری در این کشورها وجود دارد. بدین معنا که فرض برای انگلستان این است که در رسانه‌های داخل کشور، اخبار به طور یک‌سویه و ایدئولوژیک سانسور می‌شود و عملا با جهت‌گیری‌های مورد نظر حکومت پخش می‌شود. تصور آنها این است که شکستن فضای بسته و حصار خبری، تحولات نه لزوما سریع، بلکه عمیقی را در افکار عمومی ایرانیان و در فرهنگ سیاسی ایرانیان به دنبال داشته باشد.

در واقع منظور تان این است که با توجه به حذف بعضی رسانه‌ها و جهت‌گیری به سمت ایجاد رسانه‌های مؤثر تر، از لحاظ اقتصادی تحول زیادی در وضعیت این شبکه ایجاد نشده است؟

هزینه سنگین، هزینه نیروی انسانی است و هزینه تجهیزات رادیویی بسیار پایین است. با یک بازآموزی نیروی انسانی و غنی‌سازی توانمندی نیروهای رادیویی، بی‌بی‌سی توانسته است تعدادی از آنها را به تلویزیون منتقل کند که اقدام بسیار هوشمندانه‌ای است. همان‌طور که مشاهده می‌کنید بسیاری از مجریان و گزارشگران و تحلیل‌کنندگان بی‌بی‌سی فارسی در تلویزیون، همان‌هایی هستند که در رادیو هم نقش‌آفرینی داشتند و این نکته خیلی مهم است. پس آنها نیروی انسانی را از دست نمی‌دهند، بلکه آنها را از یک رسانه به رسانه‌ای دیگر منتقل می‌کنند. می‌ماند بحث تجهیزات رادیو و تلویزیون و تجهیزات ارسال و دریافت. آنهایی که خطوط ماهواره‌ای و دسترسی به فرکانس‌های ازپیش خریداری‌شده دارند، کار تلویزیونی برایشان ارزان تمام می‌شود. با توجه به اینکه اجاره یک‌ساله یک فرکانس ماهواره‌ای حدود ۳۵۰ تا ۴۰۰ هزار دلار است، سازمانی مثل بی‌بی‌سی که این ماهواره را از پیش خریداری کرده است فقط از آن استفاده می‌کند. بنابراین این امکانات را به صورت کلان در اختیار دارد و هزینه‌ای برای آن پرداخت نمی‌کند. بدین ترتیب کار می‌تواند اقتصادی هم تعبیر شود. در عین حال ۱۵ میلیون پوند در سال اول برای راهاندازی در



نظر گرفته شده که این رقم منهای استفاده‌هایی است که بی‌بی‌سی فارسی از بی‌بی‌سی مادر می‌کند.

نقاط ضعف و قوت بی‌بی‌سی فارسی در مقایسه با شبکه‌های داخلی چیست؟

مهم‌ترین مشکل این شبکه، عدم امکان برقراری تماس مستقیم و برنامه زنده از ایران است. نوع برخوردی که دولت ایران داشته سبب شده تا رغبت زیادی در میان تولیدکنندگان ایرانی برای همکاری مستمر با بی‌بی‌سی وجود نداشته باشد و به گونه‌ای با عدم اعطای اجازه ایجاد دفتر بی‌بی‌سی فارسی در ایران، امکان برنامه‌سازی مستقیم در داخل کشور برای بی‌بی‌سی ممنوع شده است و این کاملا مشهود است که دسترسی آن به ایران از راه واسطه‌های رسانه‌ای ایرانی است نه مستقیم. این مشکل شاید قابل رفع هم نباشد، مگر به کمک تکنولوژی‌های نوین فشرده‌سازی و ارسال مستقیم از اینترنت که آن هم مسائل خاص خود را دارد.

اما مزیت‌های بی‌بی‌سی مزیت‌های سازمان مادر بی‌بی‌سی است: از لحاظ تکنیکی استودیو، نیروی انسانی به‌نسبت خوب تربیت شده و به‌سرعت حرفه‌ای شده، تنوع برنامه‌ها در زمان اندک و گستره خبرنگاران بین‌المللی – که این آخری خیلی مهم و کار بسیار گرانی است – از لحاظ محتوایی هم تکیه بسیار جدی بر بی‌بی‌سی مادر. از لحاظ برنامه‌های تأمینی، تا زمانی که بی‌بی‌سی مادر مستند و با خبر دارد، بی‌بی‌سی فارسی هم برنامه مستند و خبر دارد و خیلی به آن متکی است.

تهدیدها و فرصت‌هایی که بی‌بی‌سی فارسی برای شبکه‌های داخلی ایجاد می‌کند چیست و آیا می‌توان این تهدیدها را تبدیل به فرصت کرد و چگونه؟ و اگر نه، دلیل آن چیست؟

می‌توان این موضوع را طور دیگری نیز خواند: ایران بود که شبکه العالم را حتی قبل از بی‌بی‌سی عربی و بی‌بی‌سی فارسی تأسیس کرد. شاید بتوان با تحلیل عمیق‌تری گفت این، عکس‌العمل‌هایی است که به راهاندازی شبکه‌های ایرانی داده می‌شود و این حرف پربیراهی هم نیست. در واقع ما آغازگر درگیری تلویزیونی بودیم. آنها حداقل در جهان عرب نگران حضور ما هستند و شبکه پرس‌تی‌وی با گسترشی که می‌تواند پیدا کند و با ظرفیتی که ایجاد کرده است می‌تواند حداقل برای مهاجرین مسلمان در کشورهای غرب و اقلیت‌های مسلمان کشورهای انگلیسی‌زبان یک شبکه جایگزین باشد.

بی‌بی‌سی برای صدا و سیمای ایران تهدید است، چرا که گونه‌ای از جهان را به مردم ما نشان می‌دهد و به گونه‌ای آن جهان را نشان می‌دهد که رسانه ملی نشان نمی‌دهد، مسائلی را مطرح می‌کند که اولویت دولت ایران نیست، پس می‌تواند سلیقه خبری و جهان‌بینی مخاطبان را تغییر دهد. می‌تواند جایگاه ایران در جهان را به گونه‌ای دیگر معرفی کند که شبکه‌های داخلی شاید علاقه‌ای به این کار نداشته باشند. جایگاه جهان را در ایران و جایگاه جهان در جهان را می‌تواند تغییر دهد و این بسیار جدی است.

اما فرصتش برای ما یادگرفتن برنامه‌سازی است. ظرفت‌های سخن، ظرفت‌های برنامه‌سازی و بالا بردن استانداردهای حرفه‌ای در تولید تلویزیون ایران هم می‌تواند به‌خوبی آموخته شود.

اما با این موضوع چه کنیم، یا چه کنند؟

به نظر نمی‌رسد بی‌بی‌سی آخرین شبکه‌ای باشد که به زبان فارسی راه می‌افتد. گفته می‌شود یورونیوز هم در فکر راه انداختن شبکه فارسی است. بخش خبری ام‌بی‌سی، یعنی العربیه هم در همین مسیر حرکت می‌کند. معنی اینها همه این است که ما باید منتظر شبکه‌های فارسی دیگری هم باشیم. پس رویکردهای طردآمیز نه کافی است و نه شاید مفید. تحول در اداره و برنامه‌سازی تلویزیون جمهوری اسلامی ایران می‌تواند بسیار مؤثر باشد. به عبارتی هر مساله‌ای را

تجربه ممنوعیت دسترسی به تصاویر ماهواره‌ای در شکل کنونی فایده چندانی نداشته **۶۶**



که ما بدان نمی‌پردازیم، در واقع به آنها می‌گوییم لطفا به آن بپردازید. پس ما باید دایره مسائلی را که لازم است مورد توجه قرار گیرند توسعه دهیم، چه از لحاظ کیفی و چه از لحاظ محتوایی که منتشر می‌شود. وقتی دسترسی مخاطبان به کانال‌های رقیب افزایش پیدا می‌کند، ضرورت ارائه چندجانبه یک خبر یا ارائه دیدگاه‌های مختلف در مورد یک مساله برای اینکه یک شبکه اعتبارش را حفظ کند آشکار می‌شود. وقتی آگاهی و دسترسی مخاطبان افزایش یابد اگر مساله‌ای را یک‌طرفه مطرح کنند چندان مورد پذیرش واقع نمی‌شود. بدین ترتیب ما باید هم شیوه ارائه و هم مسائل مورد توجهمان را وسیع‌تر و عمیق‌تر کنیم.

به نظر می‌رسد نوع رویکردی که ما با این رسانه‌ها و در مصداق کلانش با رسانه‌های جدید مثل ویدئو و ماهواره داشته‌ایم و اکنون تا حدود زیادی با اینترنت داریم مورد پسند شما نیست؟

تصور من این است که ما مدتی را در حیرت به سر بردیم و سپس عکس‌العمل‌های تندی انجام دادیم و بعد هم تجمان سرد شد. این روش شاید روش معقول و مطلوبی نباشد. پیش‌بینی و پیشگیری حائز اهمیت است. مثلا می‌دانستیم بی‌بی‌سی فارسی در سال آینده تأسیس می‌شود و در آن یکسال باید تحولی ایجاد می‌شد که وقتی تأسیس شد حرفی برای گفتن نداشته باشد.

به عبارتی، می‌توان نقاط قوت بی‌بی‌سی را در نقاط ضعف خودمان جست‌وجو کرد؟

ما نباید بی‌بی‌سی را نادیده بگیریم و تصور کنیم اگر راجع به آن صحبت نکنیم مشکل حل می‌شود، بلکه باید بدان بپردازیم. بی‌بی‌سی فارسی متعاقب رادیوی فارسی بی‌بی‌سی است و شیوه آن این است که ۹ تا راست می‌گوید تا بتواند یک دروغ بگوید که باور شود.

ما باید برخورد فعالی با بخش خبری بی‌بی‌سی داشته باشیم و آن جایی که خطا می‌کند، جهت‌گیری می‌کند و با ظرافت حرف نادرستی را می‌زند، به‌شدت و به‌دقت عکس‌العمل تلویزیون خود را ببینیم. با سکوت و عدم‌توجه مساله حل نمی‌شود. منظور من برخورد فعال با محتوای بی‌بی‌سی است نه لزوما با آدم‌ها. با بی‌توجهی مسوولین به محتوا و شیوه خبری بی‌بی‌سی می‌تواند به تدریج یک فرهنگ خبری خاص را حاکم کند.

اگر بخواهم جمع‌بندی داشته باشم بی‌بی‌سی دو ویژگی دارد که آن را مهم جلوه می‌دهد. (بحث خطرناک بودنش بحث دیگری است.) یکی محتوای ارائه‌شده توسط بی‌بی‌سی است که کاملا متمایز از برنامه‌های ارائه‌شده در ایران است و دوم شیوه ارائه آن. در شیوه ارائه، بی‌بی‌سی به تاثیر از بی‌بی‌سی مادر و قواعد آن، تلاش می‌کند نوعی بی‌طرفی – به معنای آنکه دو طرف موضوع بیان بشود – را رعایت کند، یعنی موافق و مخالف به نوعی حتما حضور داشته باشند. همچنین تلاش می‌کند با مخاطب تعامل هر چه بیشتری داشته باشد و تا حداکثر امکان برنامه‌هایی مخاطب‌محور ارائه دهد. سومین ویژگی شیوه ارائه، کوتاه کردن زمان ارائه و افزایش کیفیت آن است و این فشردگی باعث می‌شود بیننده به‌راحتی از تلویزیون جدا نشود.

از دیگر اهداف بی‌بی‌سی افزایش گستره دید مخاطبان از مفهوم «ایران»، «ایرانی»، «فرهنگ ایرانی» و «تمدن ایرانی» است، یعنی تلاش دارد تاجیکستان و افغانستان را نیز به سپهر فرهنگ ایرانیان اضافه کند. این کاری است که ما چندان به آن توجه نداریم و شاید شبکه‌های داخلی رسالتی در این مورد برای خود قائل نیستند. اینکه مسائل تاجیکستان مسائل ایران هم هست و مسائل ایرانی‌ها مسائل افغانی‌ها هم هست و مساله افغانی‌ها مساله تاجیک‌ها هم هست. این ابتکار بی‌بی‌سی است که باید دید چقدر ایرانی‌ها از آن استقبال می‌کنند.

با چشمان باز

واکنش‌های داخلی به راه‌اندازی بی‌بی‌سی

به محض شروع به کار شبکه بی‌بی‌سی، وزارت ارشاد، اطلاعات و سازمان صدا و سیما به راه‌اندازی این شبکه واکنش منفی نشان دادند. محمد حسین صفار هرندی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی گفت که در حال حاضر بسیاری از رسانه‌های خارجی هستند که به صورت موردی و برای پوشش یک رویداد خاص مجوز فعالیت برای آنها صادر می‌شود که شبکه خبری «بی‌بی‌سی» نیز از جمله این رسانه‌های خبری است. البته پوشش واقعیت و انعکاس آن در سطح جهان برای ما مطلوبیت دارد، ولی با همه این تفاسیر، ضرب خطایی نیز برای عملکرد غیر حرفه‌ای آنها در نظر گرفته می‌شود.

غلامحسین محسنی اژم‌ای، وزیر اطلاعات هم تأکید کرد «وزارت اطلاعات بنا به وظیفه ذاتی خود در مورد جریان‌ها و سرویس‌هایی که اقدام به جاسوسی می‌کنند، هر سرنخی را که به دست آورد به آن حساس بوده و عکس‌العمل نشان خواهد داد و در صورت ضرورت این افراد را احضار یا دستگیر می‌کند».

وزیر اطلاعات در خصوص راه‌اندازی قریب الوقوع بخش فارسی شبکه تلویزیونی بی‌بی‌سی اظهار داشت: این شبکه را برای امنیت کشور مناسب نمی‌دانیم و اقدامات لازم را در خصوص آن انجام خواهیم داد. رئیس سازمان صدا و سیما هم درباره افتتاح شبکه فارسی‌زبان بی‌بی‌سی با هزینه هنگفتی که صرف آن شده است و زمان بخش برنامه‌های آن که هم‌زمان با ساعات طلایی تلویزیون ایران است گفت: از نظر ما شبکه‌های مختلف فارسی‌زبان اهداف مشترکی را تعقیب می‌کنند و سالیان طولانی از افتتاح شبکه‌هایی نظیر این شبکه می‌گذرد و دائم در حال برنامه‌سازی به شیوه‌های مختلف هستند و برنامه‌های مختلفی را تدارک می‌بینند. ولی در نهایت تمام این کارها و هزینه‌ها هیچ‌گونه تأثیری بر نگاه عمومی مردم ایران به جامعه داخلی خودشان و اطلاع‌رسانی شبکه‌های بیگانه از سوی مردم، باعث می‌شود که عملا اضافه شدن هر شبکه دیگری نیز تأثیری بر اهداف و جریانی که آنها پی‌گیری می‌کنند نداشته باشد.

ضرغامی در پاسخ به این سؤال که «آیا افتتاح این شبکه تأثیری بر ساختار و محتوای برنامه‌های شبکه‌های داخلی خواهد داشت یا خیر؟» نیز اظهار داشت: افتتاح شبکه‌هایی مانند بی‌بی‌سی فارسی به‌هیچ‌وجه تأثیری بر برنامه‌سازی ما نخواهد داشت. سیاست‌های سازمان صدا و سیما مستقل از این شبکه‌هاست.

بی‌بی‌سی

فارسی متعاقب

رادیوی فارسی

بی‌بی‌سی است

و شیوه آن این

است که ۹ تا

راست می‌گوید

تا بتواند یک

دروغ بگوید که

باور شود

